

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کردستان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

ساختار داستان سرسلسله‌های پادشاهی در افسانه و تاریخ

پژوهشگر:

سعید امامی

استاد راهنما:

دکتر تیمور مالمیر

استاد مشاور:

دکتر پارسا یعقوبی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

خرداد ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

## \*\*\* تعهد نامه \*\*\*

اینجانب سعید امامی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادبیات فارسی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

سعید امامی

۱۳۹۱ / ۳ / ۳۱



دانشگاه کردستان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:

ساختار داستان سرسلسله‌های پادشاهی در افسانه و تاریخ

پژوهشگر:

سعید امامی

در تاریخ ۲۲ / ۳ / ۱۳۹۱ توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و با نمره ..... و درجه ..... به تصویب رسید.

<u>امضاء</u>	<u>مرتبه علمی</u>	<u>نام و نام خانوادگی</u>	<u>هیات داوران</u>
	دانشیار	دکتر تیمور مالمیر	۱- استاد راهنما
	استادیار	دکتر پارسا یعقوبی	۲- استاد مشاور
	دانشیار	دکتر حاجیان نژاد	۳- استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر سید اسعد شیخ احمدی	۴- استاد داور داخلی

مهر و امضاء معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده

مهر و امضاء گروه

تقدیم بہ

شکوہ بی کران پدرم

وزحمات بی پیمانش

کہ یاد او و نام او

قوت قلم بوده و ہست

و بہ قلب روز ترا ز خورشید مادرم

کہ بانفس قدسی خویش

و دعاہای مکررش

ہمارہ یاریکر من بوده و ہست

و بہ روح برادرم مسعود

و چشم ہای پر از کودکی و معصومیتش

کہ ہمارہ عزیز جان من بوده و ہست...

# تقدیر و شکر

منت خدای راعز و جل که هماره در مشقات مریاری کرده، در مشکلات گره کشایی نموده و در طریقت دانایی انوار رحمت خویش را بر من بارانده است.

سپس، سپاس و امتنان فراوان دارم از استاد راهنمای بزرگوارم جناب آقای دکتر تیمور المیر که بارهبنایی های هوشمندانه و بی دریغ خویش مریاری کردند تا این رساله را به انجام برسانم.

همچنین از زحمات استاد مشاور گرامی جناب آقای دکتر پارسی یعقوبی کمال شکر را دارم.

در پایان از آقایان: محمد مهدی غلام بابائیان، امیر فطحه کرمی، محمد الماسی، ابراهیم قرقانی، یاسر آصفی، راسین حمیدی و تمامی کسانی که مراد انجام این مهم یاری نمودند سپاسگزارم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول کلیات و مبانی نظری.....
۱	۱-۱- مقدمه.....
۴	۲-۱- پیشینه و ضرورت پژوهش.....
۵	۳-۱- اهداف پژوهش.....
۵	۴-۱- پرسش‌های تحقیق.....
۵	۵-۱- روش کار.....
۶	۶-۱- زبان‌شناسی ساختارگرای فردینان دو سوسور.....
۸	۷-۱- ساختارگرایی.....
۱۰	۸-۱- ولادیمیر پراپ و ریخت‌شناسی قصه‌های پریان.....
۱۲	۹-۱- کلود لوی استروس.....
۱۶	فصل دوم: تحلیل متن.....
۱۶	۱-۲- روش کار.....
۱۷	۲-۲- خلاصه داستان فریدون.....
۱۸	۳-۲- ساختار داستان فریدون.....
۲۲	۴-۲- رو ساخت داستان فریدون.....
۲۳	۵-۲- خلاصه داستان کیقباد.....
۲۳	۶-۲- ساختار داستان کیقباد.....
۲۵	۷-۲- رو ساخت داستان کیقباد.....
۲۶	۸-۲- خلاصه داستان کیخسرو.....
۲۸	۹-۲- ساختار داستان کیخسرو.....
۳۰	۱۰-۲- رو ساخت داستان کیخسرو.....
۳۲	۱۱-۲- خلاصه داستان داراب.....
۳۳	۱۲-۲- ساختار داستان داراب.....
۳۴	۱۳-۲- رو ساخت داستان داراب.....
۳۶	۱۴-۲- خلاصه داستان کورش.....
۳۷	۱۵-۲- ساختار داستان کورش.....
۴۰	۱۶-۲- رو ساخت داستان کورش.....
۴۲	۱۷-۲- خلاصه داستان اسکندر.....



۴۴	..... ۱۸-۲- ساختار داستان اسکندر
۴۶	..... ۱۹-۲- رو ساخت داستان اسکندر
۴۷	..... ۲۰-۲- خلاصه داستان اردشیر
۴۸	..... ۲۱-۲- ساختار داستان اردشیر
۵۱	..... ۲۲-۲- رو ساخت داستان اردشیر
۵۱	..... ۲۳-۲- کمینه‌های ساختار داستان سرسلسله‌های پادشاهی
۵۱	..... ۲۳-۲- ۱- دوری
۵۲	..... ۲۳-۲- ۲- مرگ
۵۳	..... ۲۳-۲- ۳- آزمون
۵۳	..... ۲۳-۲- ۴- تقابل پدر و پسر
۵۴	..... ۲۳-۲- ۵- قربانی
۵۶	..... ۲۳-۲- ۶- پرورش ویژه
۵۷	..... ۲۴-۲- ژرف ساخت داستان سرسلسله‌ها
۶۰	..... ۲۵-۲- بررسی نسب‌سازی و تقدس‌نمایی پادشاهان به‌ویژه پادشاهان سرسلسله
۶۱	..... ۲۵-۲- ۱- نسب‌سازی و اصالت تخمه و نژاد در پیش از اسلام
۶۴	..... ۲۵-۲- ۲- نسب‌سازی و اصالت تخمه و نژاد در دوران اسلامی
۶۵	..... ۲۵-۲- ۳- جنبه قدسی بخشیدن به حکومت خویش در دوران باستان
۶۵	..... ۲۵-۲- ۴- جنبه قدسی بخشیدن به حکومت در دوران اسلامی
۶۷	..... فصل سوم: نتیجه‌گیری
۷۲	..... منابع و مآخذ

## ساختارداستان سرسلسله‌های پادشاهی در افسانه و تاریخ

### چکیده:

گاه شباهتی شگفت بین داستان زندگی سرسلسله‌های پادشاهی در افسانه و تاریخ وجود دارد تا حدی که گاهی به راحتی می‌توان بعضی از شخصیت‌های افسانه‌ای و تاریخی را با هم تطبیق داد. همچنین برای تمامی پادشاهان ایرانی نژاد یک رابطه‌ی پدری و پسری ایجاد کرده‌اند. سعی ما در این رساله این است که علت شباهت داستان سرسلسله‌های پادشاهی در افسانه و تاریخ را مشخص سازیم همچنین دلیل ایجاد رابطه‌ی پدری و پسری بین پادشاهان را معلوم نماییم. در این پژوهش با روش ریخت‌شناسانه‌ی پراپ شخصیت‌ها و کارکردهای داستان‌ها را به دست آورده سپس مطابق نظریه‌ی ساختارگرایی استروس کمینه‌های داستان سرسلسله‌ها را بیان می‌داریم. جامعه‌ی آماری در این پژوهش کتب تاریخی زبان فارسی در رابطه با شاهنامه فردوسی است.

داستان سرسلسله‌های پادشاهی چه در دوره‌ی تاریخی و چه در دوره‌ی افسانه‌ای از یک الگوی خاص تبعیت می‌کنند و آن الگو مبتنی بر آیین پاگشایی است. در حقیقت زندگی سرسلسله‌های افسانه‌ای را الگویی برای پادشاهان سرسلسله، در دوره‌ی تاریخی قرار داده‌اند. چنانکه تمام سرسلسله‌های پادشاهی در کودکی از خانه و موطن اصلی خود دور می‌افتند و پس از بلوغ، دوباره پس از طی ماجراهایی به سرزمین اصلی خود برمی‌گردند و پادشاه می‌شوند.

همچنین این نظام‌های حکومتی برای مشروعیت بخشی به حکومت خود یا با نسب‌سازی، نظام خود را به پادشاهان افسانه‌ای و باستانی می‌رسانند یا این که با روش‌های گوناگون به حکومت خویش جنبه‌ی قدسی و الهی می‌دادند.

**کلید واژه:** ساختار، افسانه، پاگشایی، تاریخ، سرسلسله‌های پادشاهی

## فصل اول

### کلیات و مبانی نظری

#### ۱-۱- مقدمه

سرسلسله‌های پادشاهی نفر اول و سرحلقه یک نظام شاهنشاهی بوده‌اند که بنیان گذاران یک نظام حکومتی خاص می‌باشند. اینان کسانی هستند که نظام قبلی را برانداخته و خود نظام و حکومت جدیدی را به وجود آورده‌اند. داستان زندگی این افراد چنین است که پرورش آنان از دیگران متمایز است، این افراد در ابتدا از خانه و موطن اصلی خود دور می‌افتند سپس به صورت پنهانی پرورش می‌یابند؛ بعد از طی سال‌های کودکی و پس از بلوغ به وطن خود برمی‌گردند، با طی ماجراهایی در نهایت بر تخت شاهی می‌نشینند. مثل داستان فریدون؛ وقتی آبتین، پدر فریدون، توسط عوامل حکومتی ضحاک گرفتار شد و به قتل رسید فرانک، مادر فریدون، او را از آن منطقه دور کرد و به مرغزاری برد؛ و از نگهبان آن مرغزار درخواست کرد که فرزندش را تا مدتی نزد خود نگاه‌دارد، و به او سفارش کرد که از گاو برمایه که گاوی شگفت بود به او شیر بدهد. نگهبان سخن او را پذیرفت و تا سه سال فریدون را نزد خود نگاه‌داشت. سپس فرانک از بیم ضحاک، فریدون را به البرز کوه برد و در آنجا به زاهدی سپرد. وقتی فریدون به سن بلوغ رسید اصل و نسب خود را پرسید. او پس از شنیدن ماجرا تصمیم گرفت به سوی ضحاک برود و او را شکست دهد؛ فریدون در نهایت با یاری کاوه آهنگر قیام کرد و با نیروی فره ایزدی به صورت معجزه آسایی، او و یارانش از اروند رود گذشتند. به شهر و مقر حکومت ضحاک داخل شدند و او را شکست دادند.

بنابراین در نگاه نخست تصور می‌شود که یک اختلاف اساسی بین داستان سرسلسله‌ها در افسانه و تاریخ وجود دارد ولی چنین نیست و همان ساختار تا حدی در تاریخ نیز تکرار شده است. این مسأله که افسانه و تاریخ دارای یک شکل هستند موجب می‌شود که این اندیشه ما را به خود مشغول کند که احياناً این دو از ساختار واحدی پیروی می‌کنند. گاه ساختار و شالوده‌ای اصلی داستان زندگی این سرسلسله‌ها در افسانه و تاریخ به حدی به هم نزدیک می‌شود که برخی زندگی آنها را با هم تطبیق داده و آنها را با هم سنجیده‌اند و کیخسرو را شکلی دیگر از کورش هخامنشی می‌دانند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۳۱-۱۳۳).

در کتاب *تاریخ روضه‌الصفها* داستان زندگی فریدون و چگونگی بر تخت نشستن او با اندکی اختلاف با شاهنامه آمده است. (میر خواند، ۱۳۸۰: ۶۱۲-۶۱۴) در *تاریخ ثعالبی* داستان زندگی فریدون و چیرگی او بر ضحاک آمده است. (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۶-۲۸) قسمتی از داستان زندگی فریدون در کتاب *عصر اساطیری تاریخ ایران* از تولد تا سپردن مادرش او را به زاهد آمده است. (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۰۶)

داستان زندگی کیخسرو در کتاب *روضه‌الصفها* آمده است. (میر خواند، ۱۳۸۰: ۶۷۷-۶۸۱) داستان زندگی کیخسرو در کتاب *تاریخ ثعالبی* تقریباً همان‌گونه که در شاهنامه آمده ذکر شده است. (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۱۴۱-۱۴۴)

افسانه‌ی دستور مرگ کورش از طرف پدربزرگش در کودکی و نجات یافتن او؛ و بازی او با کودکان و پادشاهی او بر کودکان و... در کتاب *کورش کبیر* نوشته ساموئیل ویلارد کرامپتون آمده است (کرامپتون<sup>۱</sup>، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۵) داستان بزرگ شدن کورش و خواب آستیاگس، پدربزرگش، و... در کتاب *ایران در عهد باستان* آمده است. (مشکور، ۱۳۶۳: ۱۶۷-۱۶۹) داستان زندگی کورش در کتاب *تاریخ ایران باستان* به نقل از هرودوت<sup>۲</sup> آمده است. (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۱۰-۲۱۴) افسانه دستور مرگ کورش از طرف آژی دهاک و... در کتاب *کورش کبیر* اثر آلبر شاندر<sup>۳</sup> آمده است. (شاندر، ۱۳۸۴: ۲۲-۳۰).

داستان زندگی اسکندر و چگونگی زاده شدن او از دختر فیلقوس که زن داراست و فرستادن دارا همسرش را به سوی پدرش و... در کتاب *روضه‌الصفها* آمده است (میرخواند، ۱۳۸۰: ۷۴۳-۷۴۶) در کتاب *ایران از آغاز تا اسلام* در مورد اسکندر به نقل حوادث پرداخته شده است (گیرشمن<sup>۴</sup>، ۱۳۴۹) در کتاب *تاریخ ایران باستان (تاریخ مفصل ایران قدیم)* از حسن پیرنیا تنها به نقل حوادث پرداخته شده و افسانه زندگی اسکندر بیان نشده است. (پیرنیا، ۱۳۸۴) در کتاب *تاریخ ثعالبی* افسانه تولد و بزرگ شدن و حمله اسکندر به ایران تقریباً همان‌گونه که در شاهنامه آمده بیان شده است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۴۹-۲۵۴) در کتاب *ایران باستان* حسن پیرنیا فقط حوادث نقل شده و داستان زندگی اسکندر بیان نشده است. (پیرنیا، ۱۳۸۷) دیاکونوف در کتاب *تاریخ ایران باستان* در مورد چگونگی به پادشاهی رسیدن اسکندر و تصرف ایران تنها به نقل حوادث بسنده می‌کند. (دیاکونوف<sup>۵</sup>، ۱۳۸۲) در کتاب *اسکندر مقدونی* نوشته جان گونتر داستان زندگی اسکندر آمده اما با افسانه‌ی که ایرانیان ساخته‌اند فرق دارد؛ نکته مهمی که در این کتاب

<sup>۱</sup>kramptvn

<sup>۲</sup>Herodote

<sup>۳</sup>Albert Champdor

<sup>۴</sup>Ghirshman

<sup>۵</sup>Diakonov

آمده این است که اسکندر خود را خدا نامید و هر کس که را در آن شک می‌کرد می‌کشت. (گوتتر<sup>۶</sup>، ۱۳۶۹: ۱۴۰) در کتاب *ایران در عهد باستان* آمده که اولین بار کاهن مصر، اسکندر را پسر خدا خواند (مشکور، ۱۳۶۳: ۲۸۴). افسانه زندگی اسکندر و چگونگی زاده شدن او و حمله‌ی او به ایران در کتاب *تاریخ الرسل و الملوک* بیان شده است. (طبری، ۱۳۵۱: ۹۰-۹۳).

داستان زندگی اردشیر بابکان و دور افتادن او از وطن و بزرگ شدنش در سرزمینی دیگر در کتاب *روضه‌الصفاء* آمده است. (میرخواند، ۱۳۸۰: ۸۶۷) گیرشمن درباره‌ی چگونگی به پادشاهی رسیدن اردشیر تنها نقل حوادث کرده است. (گیرشمن، ۱۳۴۹) محمود زنجانی به نقل از کارنامه اردشیر بابکان افسانه زندگی اردشیر، و چگونگی دور افتادن او از وطن و سپس برگشت او و سرانجام به پادشاهی رسیدنش را بیان کرده است. (زنجانی، ۱۳۸۰: ۲ | ۱۸ - ۲۱) در کتاب *تاریخ ثعالبی* افسانه زندگی اردشیر تقریباً همانطور که در شاهنامه آمده است بیان شده است. (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۹۹ - ۳۰۳) بیانی، داستان زندگی اردشیر بابکان را به نقل از کارنامه اردشیر بابکان نوشته است. (بیانی، ۱۳۵۵: ۷-۱۴) دیاکونوف درباره‌ی چگونگی به پادشاهی رسیدن اردشیر تنها نقل حوادث کرده است. (دیاکونوف، ۱۳۴۶: ۲۸۸) افسانه تولد اردشیر و بزرگ شدنش و رفتن او به دربار اردوان و قیام او، به نقل از کارنامه اردشیر بابکان در کتاب *ایران در عهد باستان* آمده است. (مشکور، ۱۳۶۳: ۳۸۳ - ۳۸۴) در کتاب *تمدن ایران ساسانی* در مورد چگونگی به پادشاهی رسیدن اردشیر فقط حوادث نقل شده است. (لوکونین<sup>۷</sup>، ۱۳۵۰) کریستن سن در کتاب *ایران در زمان ساسانیان* در مورد اردشیر، تنها حوادث را نقل کرده است. (کریستن سن<sup>۸</sup>، ۱۳۵۱).

در کتاب *تاریخ حکومت طاهریان* از آغاز تا انجام، درباره زندگی طاهر تنها به نقل حوادث اکتفا شده است. اما در این کتاب نیز آمده است که طاهریان نسب خود را به پادشاهان باستانی ایران می‌رسانده‌اند. (اکبری، ۱۳۸۴: ۶۲) در کتاب *تاریخ غزنویان* نوشته بارثوث تنها حوادث نقل شده است. (بارثوث<sup>۹</sup>، ۱۳۶۲)

زندگی پادشاهان سر حلقه در سلسله‌های بعد از اسلام تا سلسله خوارزمشاهیان به صورت نقل حوادث بیان شده است. نقطه مشترک برخی از آنها رساندن نسب خود به پادشاهان دوره باستان می‌باشد که پادشاهان سلسله‌های طاهریان، صفاریان، سامانیان، زیاریان، بوییان از این جمله‌اند. (رضایی، ۱۳۷۸ - مهرآبادی، ۱۳۸۴ - میرخواند، ۱۳۸۰). نقطه مشترک برخی دیگر این است که تلاش کرده‌اند حکومت خود را به

<sup>6</sup> Gunther

<sup>7</sup> Lukonin

<sup>8</sup> christensen

<sup>9</sup>Barthoth

وسیله اولیا تایید کنند که پادشاهان سر حلقه‌ی غزنویان و سلجوقیان از این دسته‌اند (الراوندی، ۱۳۶۴ – بیهقی، ۱۳۸۴). باستانی پاریزی در کتاب یعقوب لیث زندگی این سرسلسله را بیان کرده است اما فقط حوادث تاریخی نقل شده و رد پای از افسانه در آن نمی‌بینیم (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵). در کتاب غزنویان از پیدایش تا فرو پاشی داستان زندگی سبکتکین و چگونگی بر تخت نشستنش که از طرف بزرگان قبیله با تهدید مجبور به قبول این امر می‌شود آمده است. (فروزانی، ۱۳۸۴ : ۷۳)

## ۱-۲- پیشینه و ضرورت پژوهش

مهرداد بهار معتقد بود تقسیم شاهنامه به بخش‌های اساطیری حماسی و تاریخی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. زیرا در شاهنامه اسطوره در شکل اصلی آن؛ یعنی به صورت نقش آفرینی خدایان، آفرینش جهان و آیین‌های ازلی نیامده است. بنابراین بهتر است شاهنامه را اثری حماسی بدانیم که در آن، گاه اشاراتی تاریخی آمده است. (بهار، ۱۳۷۴: ۱۴۵-۱۴۶). حمیدیان به قول خود به ناچار تقسیم بندی شاهنامه را به سه دوره اساطیری، حماسی و تاریخی را می‌پذیرد و در مورد دوره‌ی تاریخی می‌گوید که بهتر است این دوره را «تاریخ گونه» یا «تاریخ وار» بدانیم (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۴). ذبیح اله صفا: شاهنامه را تاریخ ایران قدیم از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض حکومت او به دست اعراب شمرده که به پنجاه دوره‌ی شاهی تقسیم شده است. وی شاهنامه را به سه دوره‌ی متمایز اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم کرده است. دوره‌ی پهلوانی به نظر ایشان با قیام کاوه و فریدون آغاز می‌شود و تا عهد بهمن ادامه می‌یابد. عهد دارای دارا دوره‌ی واقعی تاریخی است (صفا، ۱۳۶۹: ۲۰۶-۲۱۱). مسکوب مانند صفا شاهنامه را اثری با سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی دانسته است (مسکوب، ۱۳۸۴: ۱۱۴). بهمن سرکاراتی شاهنامه را دو بخش دانسته است: اسطوره‌ای و تاریخی (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۷۱). مال میر نیز در مقاله‌ی ساختار فنی شاهنامه وجود این دو بخش را تایید می‌کند (مال میر، ۱۳۸۷: ۲۰۹). به نظر مال میر دوره‌ی اساطیری از کیومرث تا پایان دوره‌ی پادشاهی کیخسرو را شامل می‌شود. و هرچه قدر از دوره‌ی کیخسرو دور شویم، به دوره‌ی تاریخی نزدیک‌تر می‌شویم. (مال میر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). اما پژوهش ما در رابطه با ساختار زندگی سر سلسله‌های پادشاهی است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده توسط پژوهنده موضوعی که به طور مستقیم به بررسی ساختار داستان سرسلسله‌ها در افسانه و تاریخ پرداخته باشد یافت نشد اما تیمور مال میر در مقاله ساختار فنی شاهنامه به کسی چون داراب اشاره کرده است و ماجرای او را با فریدون و کیخسرو سنجیده است (مال میر، ۱۳۸۷)

مسکوب در مقاله شاهنامه و تاریخ می‌نویسد در شاهنامه اسطوره، حماسه و تاریخ، افسانه و داستان و واقعیت درهم تنیده شده‌اند (مسکوب، ۱۳۸۱: ۳۸۸-۳۸۹). کرمی‌پور در مقاله سیمای هخامنشیان در تاریخ حماسه ایران هدف خود را این می‌داند که با بررسی شاهنامه فردوسی و منابع دوره اسلامی که مطالبی درباره سلسله‌ی کیانیان آورده‌اند، رد پای هخامنشیان و اعمال آنها را بیابد (کرمی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۱).

### ۱-۳-اهداف پژوهش

از اهداف این رساله کشف چارچوب اصلی داستان سرسلسله‌های پادشاهی و شرح ویژگی‌های این سرسلسله‌ها و چگونگی ظهور و بروز سلسله‌ها (فروپاشی سلسله قبلی و ایجاد سلسله جدید) می‌باشد.

### ۱-۴-پرسش‌های تحقیق

چرا ساختار داستان سرسلسله‌های پادشاهی در افسانه و تاریخ شبیه هم می‌باشد؟  
علت اصلی نسب‌سازی برای سرسلسله‌ها چیست؟

### ۱-۵-روش کار

در این پژوهش ابتدا به شیوه‌ی ولادیمیر پراپ ریخت‌داستان‌های سرسلسله‌های پادشاهی استخراج می‌شود. اما با توجه به تفاوت داستان سرسلسله‌های پادشاهی با داستان‌های پریان روسی، تغییراتی در شخصیت‌ها و کارکردهای پراپ داده شده است. تا ریخت‌های استخراجی با هویت اسطوره‌ای و ایرانی سازگار باشد. سپس با توجه به آرای کلود لوی استروس کمینه‌های داستان سرسلسله‌ها را استخراج می‌کنیم.

## ۱-۶- زبان شناسی ساختارگرای فردینان دو سوسور<sup>۱۰</sup>

زبان شناسی قبل و بعد از سوسور دو دوره مجزا از هم هستند. سوسور زبان را متشکل از عناصری می‌داند که در یک نظام در ارتباط متقابل با هم هستند. در حقیقت سوسور زبان (لانگک<sup>۱۱</sup>) را دارای نظامی انتزاعی می‌داند که تمام اجزای آن به هم پیوسته هستند.

از میان تمام مقایسه‌هایی که بتوان تصور کرد مقایسه میان کارکردهای زبان و بازی شطرنج از همه ملموس‌تر است. در هر دو دستگاه ارزش‌ها حضور دارند و تغییرات هر دو قابل مشاهده‌اند. یک بازی شطرنج مصداق ساختگی همان چیزی است که زبان به صورت طبیعی آن را نشان می‌دهد. مسأله را از نزدیک مشاهده کنیم. ابتدا یک حالت بازی با حالتی از زبان مطابقت دارد. ارزش متقابل مهره‌ها بستگی به موقعیت‌شان بر روی شطرنج دارد. درست مثل زبان که ارزش واژه‌اش در تقابل با دیگر واژگان مشخص می‌شود. دوم آنکه دستگاه همواره لحظه‌ای است. از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر می‌کند. ارزش‌ها مخصوصاً به قرار دادی تغییر ناپذیر و قاعده‌ی بازی تعلق دارند. که قبل از شروع بازی وجود دارد. و بعد از حرکت همچنان ادامه دارد. این قاعده که یک بار پذیرفته شده است با کلیه‌ی ارزش‌هایش در زبان نیز وجود دارد. این‌ها همان اصول ثابت نشانه‌شناختی‌اند. سرانجام برای گذر از یک حالت توازن به حالت دیگر یا به اصطلاح از یک هم‌زمانی به هم‌زمانی دیگر، کافی است مهره‌های شطرنج را جا به جا کنیم؛ هیچ تغییر بنیادین کلی وجود ندارد (سوسور، ۱۳۸۷: ۱۲۸). به نظر سوسور کل ساز و کار قوه‌ی نطق مبتنی بر تقابل‌ها و مبتنی بر تفاوت‌های آوایی و مفهومی است (همان: ۱۶۵). زبان دستگاهی است که بر اثر تقابل روانی تأثیرات صوتی بنا شده‌است. همان گونه که فرش اثری هنری است که از تضاد دیداری نخ‌های رنگارنگ و ملون تولید شده‌است (همان: ۶۶).

اگر چه زبان شناسی ساختارگرا با انتشار کتاب دوره‌ی زبان شناسی عمومی فردینان دو سوسور بارور می‌شود. مبانی مطرح شده از سوی وی در آرای هردر<sup>۱۲</sup> هومبلت<sup>۱۳</sup>، لایب‌نیتس<sup>۱۴</sup>، یا حتی رواقیون یونان باستان نیز دیده می‌شود. این مبانی بیشتر در فلسفه‌ی ایده‌آلیسم آلمان پس از کانت متبلور شده‌است. بدین ترتیب نباید تصور کرد آنچه سوسور به عنوان چارچوبی نظری به دست داده، برای نخستین بار در کتاب

<sup>10</sup> Ferdinand saussure

<sup>11</sup> Langue

<sup>12</sup> Herder

<sup>13</sup> Humboldt

<sup>14</sup> Leibniz



وی ظاهر شده است. اهمیت سوسور در این است که وی آنچه را که پیشتر به صورت پراکنده مطرح شده بود منظم ساخت و به شکلی یکپارچه به دست داد (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۳).

برای روشن شدن قضیه مثالی می‌زنیم. اگر زبان‌شناسی قبل از سوسور را مانند اجزای پراکنده و متفرق یک کامپیوتر تصور کنیم که هر یک از این اجزا به صورت منفرد و جدا از هم در گوشه‌ی افتاده است. کار سوسور بسیار برای ما قابل اهمیت می‌شود. در واقع سوسور آن اجزای منفرد جدا از هم را در کنار هم قرار داد و یک سیستم خلق کرد و با این کار به زبان‌شناسی روح دمید و آن را زنده کرد و به همین دلیل است که زبان‌شناسی قبل و بعد از سوسور را دو دوره مجزا از هم می‌دانند.

سوسور نظرات جدید خود را درباره‌ی زبان‌شناسی در پی بازنشستگی یکی از اساتید دانشگاه ژنو ابراز کرد. او به جای وی تدریس زبان‌شناسی عمومی را بر عهده گرفت. سوسور سه سال به طور متناوب به تدریس درس زبان‌شناسی عمومی پرداخت. (کالر<sup>۱۵</sup>، ۱۳۸۶: ۱۴). و دو سال پس از این ماجرا در گذشت. نوشته‌های چاپ شده‌ی سوسور در رابطه با زبان‌شناسی تاریخی بود. و در رابطه با زبان‌شناسی نوین اثری چاپ شده نداشت. اما سخنان او در کلاس‌هایی که در آن سه سال برگزار کرده بود. مورد توجه دانشجویان او قرار گرفته بود. و همین امر باعث شد که پس از مرگ او دو تن از همکارانش به نام‌های شارل بالی و آلبر سه‌شه‌یه به گرد آوری و تلفیق یادداشت‌ها و جزوهای کلاس‌های سوسور پرداختند. (همان: ۱۵). با تلاش‌های سوسور بود که امکان مطالعه‌ی نظام‌مند زبان فراهم شد. از مهمترین مباحث مطرح شده توسط سوسور ماهیت اختیاری بودن زبان، گفتار و زبان، ابعاد هم‌زمانی و در زمانی زبان، محورهای جانشینی و همنشینی در زبان، مباحث مربوط به اجزای نشانه و ... است. به نظر سوسور زبان نظامی متشکل از نشانه‌هاست. «نشانه‌های تشکیل دهنده‌ی زبان واحدهای انتزاعی نیستند بلکه اشیایی واقعی‌اند. زبان‌شناسی مطالعه‌ی همین اشیا و روابط آنهاست؛ این اشیا را می‌توان عناصر عینی این علم نامید. (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۴۵). به نظر سوسور نشانه از دو جزء دال و مدلول ساخته شده است. دال همان لفظ یا تصویر صوتی و مدلول نیز همان مفهوم است. «ما ترکیب مفهوم و تصویر صوتی را نشانه می‌نامیم ... دو اصطلاح اخیر این مزیت را دارند که نشان دهنده‌ی تقابل‌اند. تقابلی که آنها را یا از هم یا از کلی که جزوش هستند جدا می‌کند» (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۵). بر همین اساس به نظر سوسور ارتباط بین دال و مدلول یک ارتباط ذاتی نیست بلکه ارتباطی قرار دادی است. یعنی گویندگان یک زبان به عنوان پدیده‌ی اجتماعی دال‌های خاصی را برای مدلول‌های خاصی برگزیده‌اند. همچنین سوسور

<sup>15</sup> Color

میان زبان به عنوان یک نظام بنیادین و گفتار فردی تفاوت گذاشت سوسور زبان را به عنوان یک نظام بنیادین و انتزاعی که دارای قوانینی جهانشمول است (Langue) و زبان را به عنوان مصداق های عینی و فردی زبان را گفتار (Parole) نامیده است. سوسور کل قوهی انسان را نیز لانگاژ ( مطلق زبان ) نامیده است. « لانگاژ وسیع ترین وجه زبان است، زیرا کل قوهی نطق انسان چه فیزیکی و چه ذهنی را در بر می گیرد بنابراین، این حوزه چنان وسیع و تعریف نشده است که نمی توان به مطالعهی نظام دار آن پرداخت. اما لانگک دقیقاً به یمن ویژگی های نظام مندش تعریف می شود» ( اسکولز<sup>۱۶</sup>، ۱۳۸۳: ۳۲).

### ۱-۷- ساختارگرایی

یکی از روش های تحلیل متون، ساختارگرایی است. به زودی این نظریه در دیگر رشته های علوم انسانی ریشه دواند. و در آن رشته ها رخنه کرد. ساختارگرایی ریشه در آرای زبان شناس ساختارگرای سوئیسی فردینان دو سوسور دارد. در حقیقت سوسور سرسلسله و سرحلقه ای این جریان است.

«ساختارگرایی به عنوان یک جنبش فکری بر علوم انسانی تأثیر گذارد. و تجسم آن انسان شناس معروف فرانسوی کلود لوی - استورس می باشد» (پیاژه<sup>۱۷</sup>، پیشگفتار مترجم، ۱۳۸۵: ۱۱). می توان گفت که نخستین تلاش ها به سوی ساختارگرایی را فرمالیست های روس انجام دادند. « رویکردهای متن محور در بررسی و نقد ادبی در قرن بیستم تحت تأثیر دیدگاه های مبتنی بر روان شناسی شکل گرفتند. در این میان زبان شناسان روس و مکتب فرمالیست روسی در تحول نقد ادبی قرن بیستم سهم بسزایی داشتند. هر چند فرمالیسم روسی به دلیل تضاد ایدئولوژیکی با مبانی فکری نظام حاکم بر شوروی در اواخر دهه ی ۱۹۲۰ سرکوب و منزوی شد اما میراث فکری آن، الهام بخش بسیاری از مکاتب و رویکردهای نقد پس از خود مانند حلقه ی پراگ، نقد ادبی لهستان، ساختارگرایی فرانسوی و رویکردهایی مانند روایت شناسی گردید » (پروینی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). فرمالیست های روسی موضوع اصلی و مرکز کار را « خود متن » یا به عبارت بهتر آنچه در متن بازتاب یافته شناختند. ( احمدی، ۱۳۷۲: ۴۳). به نظر فرمالیست های روسی اجزای اثر می بایست در سطح به خصوصی از متن به مثابه تابع هایی از یک کل پویا در نظر گرفته شود، سطحی که در مکتب پراگ، سطح « مسلط » نامیده می شد و در نقش عامل تعیین کننده ای عمل می کرد. که کلیه اجزای دیگر را تغییر شکل داده یا به حوزه ی نفوذ خود می کشید؛ مکتب زبان شناسی پراگ<sup>۱۸</sup> -

<sup>16</sup> Scholes

<sup>17</sup> Piaget

<sup>18</sup> Prague

یاکوبسن<sup>۱۹</sup>، یان موکاروفسکی<sup>۲۰</sup>، فیلیکس<sup>۲۱</sup> و سایرین- نماینده ی نوعی انتقال از فرمالیسم به ساختارگرایی نوین بودند (ایگلتون<sup>۲۲</sup>، ۱۳۸۰: ۱۳۷ و ۱۳۸).

ساختارگرایی در پی کشف نظام بنیادین اثر است و برای به دست آوردن این نظام بنیادین ابتدا عناصر و اجزای تشکیل دهنده ی آن اثر را می یابد. سپس رابطه ی متقابل بین اجزا و عناصر اثر بررسی می شود. این ارتباط متقابل بین اجزا و عناصر که یک نظام انتزاعی در اثر به وجود می آورد همان ساختار اثر است. پس از این بررسی ها دلالتی را که در کلیت اثر است باید نشان داده شود. « باید توجه داشت که اگر تجزیه و تحلیل ساختاری ما از موضوعی درست باشد. باید بتوان آن را درباره ی مواد دیگر نیز به کار بست. و به همان نتیجه رسید. خوشبختانه یکی از محسنات تجزیه و تحلیل ساختاری آن است که همیشه آزمون پذیر است و می توان از لحاظ تجربی درستی و نادرستی آن را نشان داد» (پراپ<sup>۲۳</sup>، ۱۳۶۸، پیشگفتار مترجم، هشت). بنابر این برای ما مشخص می شود که روش تحلیل ساختارگرایانه یک روش کاملاً انتزاعی و ذهنی است. زیرا یک ساختارگرا پس از کشف اجزا و عناصر یک اثر در پی کشف روابط این اجزا و عناصر با هم دیگر است. و همین امر باعث انتزاعی شدن هرچه بیشتر روش کار ساختارگرایان می گردد. از این رو در بررسی ساختار باید به چند نکته توجه کرد.

« ۱- استخراج اجزای اثر

۲- کشف ارتباط میان اجزا

۳- نشان دادن دلالتی که در کلیت اثر است» (گلدمن<sup>۲۴</sup>، ۱۳۶۹: ۱۰).

تمامی انواع ساختارگرایی حداقل دو جنبه ی مشترک دارند. از یک سو، همه ی آنها دارای آرمان و امیدهایی برای « قابل فهم بودن » هستند، این آرمان ها و امیدها بر مبنای اصلی شکل گرفته اند که طبق آن، ساختاری نیاز از دیگر عوامل است و برای درک آن نیازی نیست که به هر عنصری که با ماهیت ساختار بیگانه است. توسل جوییم؛ از سوی دیگر ساختارگرایی ها موقعیت هایی داشته اند و کاربرد این ساختارها، برخی ویژگی های عمومی را آشکار کرده است. ویژگی هایی که وجود آنها به وضوح ضروری است. و ساختارها به رغم تنوعی که دارند. منعکس کننده ی این ویژگی های مشترک هستند. (پیاژه<sup>۲۵</sup>: ۱۵).

<sup>19</sup> Jakobson

<sup>20</sup> Ian mv karvfsky

<sup>21</sup> Felix

<sup>22</sup> Eagilton Todorov

<sup>23</sup> Propp vladimir

<sup>24</sup> Goldman

ساختارگرایی می‌خواهد که از پوسته‌ی ظاهری متن عبور کند و حقیقت و اصل متن را درک نماید و برای این کار اجزا و عناصر تشکیل دهنده‌ی یک متن را می‌یابد و در پی کشف روابط متقابل این اجزا و عناصر است. ساختارگرایی، محتوای واقعی داستان را در پرائتز می‌گذارد و توجه خود را به طور کامل به فرم متمرکز می‌کند» (اینگلتون، ۱۳۸۰: ۱۳۱). در ساختارگرایی مناسبات میان عناصر گوناگون داستان می‌تواند از انواع توازی، تقابل قلب، تعادل و نظایر آن باشد، و تا جایی که ساختار این مناسبات درونی دست نخورده باقی بماند، واحدهای منفرد را می‌توان به جای هم نشاناند (اینگلتون، ۱۳۸۰: ۱۳۲). برای ساختارگرایی اهمیتی ندارد که داستان نمونه‌ای از ادبیات طراز اول نیست. و روش آن تحلیلی است نه ارزیابی کننده، ساختارگرایی مواجهه حساب شده با شعور متعارف است. و معنای آشکار داستان را رد می‌کند. و به جای آن در پی جدا کردن برخی ژرف ساخت‌های درونی آن که در سطح به چشم نمی‌خورند برمی‌آید. متن را با ارزش ظاهری آن در نظر نمی‌گیرد. بلکه آن را با چیزی از نوعی کاملاً متفاوت جایگزین می‌کند. (همان: ۱۳۲).

توجه بیش از حد ساختارگرایان به خود اثر ادبی، آنها را از تفاوت‌های فردی و دوره‌های تاریخی غافل می‌کند. به عبارت دیگر در ساختارگرایی هم زمانی بودن مهم است نه در زمانی بودن؛ و این امر نشأت گرفته از تأثیر زبان شناسی فردینان دوسوسور بر ساختارگرایی می‌باشد. زیرا سوسور معتقد بود که هر زبان در هر مرحله از تکامل تاریخی‌اش کامل و بسنده است. (اسکولز، ۱۳۸۳: ۳۷). و همین نگرش باعث می‌شود که در ساختارگرایی ذهنیت بر عینیت غلبه و چیرگی داشته باشد. «ساختارگرایان بر این باورند که ساز و کارهایی که اجزا و قواعد را به نظام‌های معنا دار تبدیل می‌کنند نتیجه‌ی ذهن انسان است. که همچون دستگاهی نظم دهنده عمل می‌کند. و اجزا را بر اساس قواعد در نظر می‌گیرد و دسته بندی می‌کند» (کلینگر<sup>۲۵</sup>، ۱۳۸۸: ۵۲).

### ۱-۸-ولادیمیر پراپ و ریخت شناسی قصه های پریان

جنبش فرمالیسم روسی در سال ۱۹۱۴ نخستین نشانه‌هایش آشکار شد. معمولاً نخستین سند فرمالیسم روسی را رساله‌ی ویکتور شکلوفسکی<sup>۲۶</sup> یعنی رستاخیز واژگان<sup>۲۷</sup> می‌دانند. که در همین سال منتشر شد. الکساندر وسلوفسکی<sup>۲۸</sup> دیدگاه فرمالیست‌ها را درباره‌ی تاریخ ادبی شکل داد. و پژوهش‌هایش در مورد فولکلور تأثیر زیادی بر روش کار پراپ گذاشت (احمدی، ۱۳۷۰: ۳۸-۳۹). مطالعات ریخت

<sup>25</sup> Klyngz

<sup>26</sup> Vyktr shklvfsky

<sup>27</sup> Words of Doom

<sup>28</sup> Alexander vslvfsky